

رابطه حوادث اجتماعی و طبیعی با «افعال بشری»، «سنن قرآنی» و «حکمت های الهی»

رجب علی فهمی بامیانی^۱

چکیده

در این نوشتار رابطه حوادث طبیعی-هرگاه تأثیرات اجتماعی و جهانی داشته باشد- مانند سیل، خشکسالی و کرونا، با متغیرهای «عملکرد اجتماعی انسان»، «جریان قوانین و سنن الهی در تدبیر جوامع» و «انگیزه های خدایی از جریان آن سنن»، مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است. شناخت حوادث اجتماعی ناشی از وقایع طبیعی به حیث سنت های الهی یک ضرورت است. بی توجهی به این سنن و نداشتن فهم درست از عملکرد خوب و بد انسان در قبال جریان سنت های الهی موجب خسران بشر در دنیا و آخرت می گردد. متقابلاً شناخت سنن الهی و سپس اصلاح عملکرد بشر در قبال جریان آن ها، موجب برکات و خیرات فراوان می شود. بر اساس دریافت نویسنده از منابع اسلامی، مجموع از عملکردهای اجتماعی انسان را که در هرزمان می توان به حیث علت فاعلی دخیل در جریان سنت الهی و خلق حوادث اجتماعی و جهانی برشمرد، عبارتند از نسیان توحید و عبودیت. اصالت دادن به ماده و عالم طبیعت، غرق شدن در تجمل و رفاه، گسترده شدن فساد، ستمگری و یکه تازی قدرت های مستکبر، هم پیمانی برای جنگ علیه کشورهای ضعیف، ابتکار گناهان جدید در جوامع بشری. در همین راستا، انگیزه های الهی را که به حیث علل غایی می توان در جریان حوادث جهانی معرفی کرد امور ذیل اند: بازتعریف جوامع انسانی و نمایش دو بعد عالی و دانی در آن ها، ارتقای سلامت معنوی و استحکام روحی صالحان جامعه، عبور از نظم مادی جهانی به نظم معنوی و الهی، انتقام و زوال شوکت تمدنی مجرمان جهانی، برقراری نظام تربیتی اصلح و احساس نیاز به پروردگار.

کلیدواژه ها: حوادث جهانی، سنن الهی، ارتباط، عملکرد انسانی، حکمت الهی.

۱. گروه فقه، مجتمع آموزش عالی فقه، جامعه المصطفی (ص) العالمية، کابل، افغانستان.

مقدمه

در این نوشتار رابطه حوادث و سوانح طبیعی مانند زلزله و سیل و کرونا، آنگاه که پیامدهای اجتماعی-جهانی دارد، با سه متغیر «عملکردهای انسانی»، «قوانین و سنت‌های الهی در تدبیر جوامع»، «حکمت‌های خدایی در جریان آن سنن»، مورد واکاوی واقع شده است. اکنون که جنگ‌ها، خشکسالی‌ها، باران‌های بی‌موقع فراوان شده و پدیده نوظهوری به نام کرونا با گسترش سریع خود موجب پیامدهای اجتماعی بزرگ در عالم گردیده و همه کشورها را متأثر ساخته است، قهراً بشر برای دفع آسیب‌های تهدیدکننده این حوادث در پی فهم علل و پیامدهای آن حوادث می‌باشد و آن فهمی که بیش از إدراکات دیگر می‌تواند برای انسان سعادت‌آفرین و هدایت‌بخش باشد فهم دینی از این حوادث است.

در همین راستا قرآن کریم توجه به حوادث اجتماعی و جهانی را به حیث سنت‌های الهی معرفی نموده و جایگاه افعال ارادی و اختیاری بشر را در آن مجال نیز روشن کرده است، کافران را به دلیل بی‌توجهی به این سنن و نداشتن فهم از تأثیر عملکرد خوب و بدشان در قبال جریان سنت‌های الهی ملامت کرده و عدم توجه آنان را به این موضوع عامل خسران در دنیا و آخرت معرفی کرده است. در سوره غافر می‌فرماید: «این‌ها سنت‌های خداوند است که همواره در میان بندگان اجرا شده، در آنجا کافران زیانکارانند» (غافر، ۸۵).

از سویی، شناخت این سنت‌ها و اصلاح رویه در قبال آن‌ها موجب نجات، آمرزش، جلب رحمت و برکات از سوی پروردگار می‌شود؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «به آن‌ها که کافر شدند بگو: چنانچه از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند)، گذشته آن‌ها بخشوده خواهد شد؛ و اگر به اعمال سابق بازگردند، سنّت خداوند در گذشتگان، درباره آن‌ها جاری می‌شود (و حکم نابودی آنان صادر می‌گردد). (انفال، ۳۸).
با توجه به آنچه بیان شد، پرسش‌های ذیل را از منظر کلامی و قرآنی می‌توان مطرح کرد:

حوادث طبیعی مانند جنگ و خشکسالی و کرونا در صورتی که حوادث اجتماعی

و جهانی را در پی دارد، آیا می‌تواند مرتبط با سنت‌های جاری خداوند در تدبیر جوامع بشری باشد؟

افعال بشر و حکمت‌های الهی چه نقشی در حوادث اجتماعی دارد؟ اگر نقشی داشته باشد، مهم‌ترین عملکردهای مؤثر بشر در خلق رخدادهای جهانی و نیز مهم‌ترین انگیزه‌های الهی از این رخدادها در فضای کنونی احتمالاً چه می‌تواند باشد؟

۱. تعریف مفاهیم

برای تبیین رابطه رخدادهای اجتماعی-جهانی با متغیرهای «افعال بشری»، «سنن تاریخی» و «حکمت‌های الهی»، ضروری است که مفاهیم اساسی زیر تعریف شوند:

۱-۱. پدیده اجتماعی

مقصود از حادثه یا پدیده چیزی است که نوپیدا بوده و یک‌باره به وجود می‌آید. (راغب، ۱۴۱۲: ۲۲۲)، در اصطلاح علوم اجتماعی حادثه عبارت است از یک رخداد غیر منتظره و غالباً غیر ارادی که موجب آسیب قابل تشخیص و بزرگ و همراه با ضایعات چشمگیر در جوامع گردد؛ گاهی از آن‌ها تعبیر به سوانح می‌شود که باعث درهم‌ریختگی شدید اوضاع اجتماعی بلکه جهانی می‌گردد؛ حوادث طبیعی شبیه زلزله، خشک‌سالی، سیل، طوفان، کرونا و...، همین که پیامدهای اجتماعی و جهانی را دارند به آن‌ها به حیث پدیده‌های اجتماعی، نگاه می‌شود. به بیان دیگر، از آن جهت که پیدایش جنگ، کرونا و خشک‌سالی کنش‌های اجتماعی انسان‌ها را در پی داشته و پیامدهای بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را موجب می‌شوند، از سنخ حوادث اجتماعی به حساب آمده و سبب تحولاتی در زندگی جمعی بشر می‌گردند. مقصود از اجتماع نیز همان جامعه به معنای «تجمع گسترده از مردم است که دارای عقاید، سنت‌ها، روش‌های زندگی، منافع اقتصادی و سیاسی مشترک بوده و با یکدیگر در تعاون عمومی باشند» (نهاد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی

ایران، ۱۳۷۰: ۱). چنانکه از تعریف مزبور استفاده می‌شود، مقصود از اجتماع در این جا جامعه زیستی صرف نیست تا شامل زندگی حیوانی نیز باشد، بلکه جامعه فرهنگی و انسانی است که عناصر «فرهنگ»، «توانایی عقلانی»، «ایمان»، «آگاهی» و «اراده» در آن دخالت داشته و مؤثرند.

۱-۲. سنت اجتماعی

سنت در لغت به معنای طریقه و رویه است (قرشی، ۱۳۷۱، ۳: ۳۴۲): «وَإِنْ يَعْودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ» (انفال: ۳۸)، اگر به عداوت نسبت به اسلام و رسول خدا^(ص) بازگردند، خود دانند که با پیشینیان به چه طریقه و رویه رفتار شده است. سنت خداوند نیز جریانی از فرمان، حکم و قضای او است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۵: ۲۳۹).

سنت در اصطلاح به معنای عادات و رسوم، سخن و سلوک معصوم، قوانین کلی و تبدیل ناپذیر آمده است. در این پژوهش مقصود از سنت، اصطلاح اخیر یعنی قوانین کلی است که مرتبط به تدبیر جوامع انسانی بوده و سه تا ویژگی اساسی دارد:

- کلی و جهان شمول است؛
- ناظر به نظام تکوین و تشریع است؛
- تبدیل و تغییرناپذیرند (اسلام پدیا، دایرة المعارف، مفهوم شناسی سنت، ۱۳۹۳: ۱۱/۱۱).

منظور ما از سنت الهی در جامعه، رفتاری است که خداوند با اجتماعات بشری بر اساس حکمت خود، به صورت ابتدایی یا مقابله‌ای انجام می‌دهد. این سنت‌ها که بیانگر قانونمندی جامعه و تاریخ‌اند، حاکی از رابطه‌ای تکوینی بین اعمال انسانی با عالم هستی است، این سنت‌ها منشأ آثار فردی و اجتماعی برای انسان‌ها خواهد بود.

۲-۲. اعمال و افعال بشر

مقصود از افعال بشری در این مورد هرگونه فعالیت و تلاش فردی یا اجتماعی بشر

است که از روی آگاهی و اختیار صورت می‌گیرد، اعمال و افعال بشر به علل و اسباب زیادی بستگی دارد که از آن جمله، اراده، انتخاب و اختیاری است که از خود بشر ظهور می‌کند. (مطهری، بی‌تا: ۱، ۳۹۵).

افعال بشری، فردی یا اجتماعی، خواسته یا ناخواسته منشأ خلق حوادث فردی یا اجتماعی گوناگون می‌شود، حساب و عکس العمل دارد، خوب و بد در مقیاس جهان بی تفاوت نیست: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر، ۳۸). به اذعان شهید مطهری، اعمال خوب یا بد انسان با عکس العمل‌هایی از جهان مواجه می‌شود که گاهی در دوره حیات و زندگی خود فرد یا جمع به آنان می‌رسد (مطهری، بی‌تا، ۳: ۳۵۰). مقصود ما از افعال بشری هرگونه فعالیت و تلاش فردی یا اجتماعی بشر است که از روی آگاهی و اختیار صورت می‌گیرد، انواع اراده‌ها و انتخاب‌ها و اختیاری‌هاست که از بشر ظهور می‌کند و سرانجام بر نظام تکوین و جریان سنت الهی اثر می‌گذارد.

۲-۳. حکمت‌های الهی

راغب، حکمت را به معنای رسیدن به حقیقت براساس علم و عقل معنا کرده و حکیم را به کسی که کار را از روی تشخیص و مصلحت انجام می‌دهد تعبیر نموده است (راغب، ۱۴۱۲: ۲۴۸). در اصطلاح حکما، حکمت هرکاری است که ناشی از علم به افضل امور و اراده آن و انجام همان افضل باشد. پس صرف مصلحت داشتن و غرض داشتن کافی نیست، بلکه کار حکیمانه عملی است که بهترین مصلحت‌ها و بهترین غرض‌های ممکن، نزدیک‌ترین و بهترین وسیله برای انجام آن انتخاب بشود. وصف «افضل» باید در مفهوم آن گنجانده شود (مطهری، بی‌تا، ۸: ۴۱۳). در این نوشتار مقصود از حکمت همان اصطلاح حکما است؛ یعنی در پی فهم این موضوع هستیم که بهترین غرض‌ها و مصلحت‌های الهی از خلق آن حوادث طبیعی که پیامدهای اجتماعی دارد چه می‌تواند باشد.

۲-۴. رابطه

رابطه بیانگر یک نوع پیوند و ارتباط بین مفاهیم، متغیرها، اشیاء و پدیده‌ها است.

ملازمه، نسبت، علاقه با این واژه از نگاه مفهومی خویشاوندی و قرابت دارد (صلیبا و صانعی، ۱۳۶۶: ۴۷۶). رابطه اقسامی دارد؛ یا علی، معلولی است و یا صرفاً همبستگی بین دو متغیر و مفاهیم را نشان می‌دهد. در یک تقسیم‌بندی، رابطه یا ذاتی است مانند رابطه آهن و صلابت که ذات اشیاء بدون هیچ شرطی باهم رابطه دارد؛ یا قراردادی است، مانند رابطه الفاظ با معانی. هرگاه رابطه همبستگی میان امور به گونه‌ای شد که عقل انسان قضاوت کرد، تصور این پدیده و یا متغیر قابل تفکیک از تصور دیگری نیست، این چنین همبستگی‌ها به ملازمه و یا رابطه عقلی موسوم است، در نقطه مقابل آن ملازمات و ارتباطات عادی و عرفی قرارداد (سجادی، ۱۳۷۳، ۳/ ۹: ۱۹۰؛ محقق و ایزوتسو، ۱۳۷۰: ۲۶۸).

مقصود از رابطه و پیوند بین حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله و کرونا با افعال بشر، سنن قرآنی، حکمت الهی در این پژوهش ارتباطات علی و معلولی است، نه صرف همبستگی. وقتی در مورد حادثه‌ای می‌گویند ارتباط علی معلولی بافلان چیز دارد؛ مقصود این است که حادثه تصادفی به وجود نیامده است و نیروی وجود دارد که اولاً این حوادث را در عالم به وجود می‌آورد؛ ثانیاً بر اساس اهداف و انگیزه به وجود می‌آورد. به تعبیر شهید مطهری، اگر ببینید روی یک صفحه کاغذ، از اول این صفحه تا آخر آن، یک نامه معنی‌دار نوشته شده است، در اینکه این نامه علت فاعلی داشته و یک نیرویی ایجادکننده بوده است که این جوهر را بر روی این صفحه کاغذ کشیده است، هیچ بحثی نیست. همین طور هیچ تردیدی نباید داشت که این نیرو، نیروی شاعر و مدبر بوده که شعور و تدبیرش به این حد رسیده که اولاً کلمات معنادار بنویسد و ثانیاً قدرت اختیار و انتخاب کلمات و کنار هم چیدن آن‌ها را به گونه‌ای داشته باشد که هدف و مقصود نویسنده را به مخاطب منتقل بکند؛ یعنی وجود دو نوع علت فاعلی و غایی در هر پدیده ممکن، ضرورت دارد (مطهری، بی‌تا، ۴: ۶۴ - ۶۵).

براساس کارکرد علت و نیروی مؤثر در حوادث اجتماعی، می‌توان نوع ارتباط حوادث را با آن نیرو تشخیص داد، بدینسان ارتباط فاعلی از سنخ ارتباط ایجاد و

ارتباط غایی از نوع ارتباط تدبیری خواهد بود، یعنی هرپدیده با اسباب فاعلی ایجاد می‌شود و تحت نظر اسباب غایی تدبیر می‌شود، حوادث طبیعی با پیامدهای جهانی این چنین است، احیاناً با افعال بشری به ضمیمه اراده الهی خلق می‌شود و تحت اشراف حکمت و سنن الهی تدبیر می‌شود. در تبیین ماهیت ارتباط تدبیری، دو عنصر آگاهی و اراده دخیل است، مقصود از تدبیر اجتماع با سنن الهی نیز ایجاد دگرگونی آگاهانه و ارادی و برنامه‌ریزی برای اصلاح جوامع براساس مصالح مادی و معنوی آنها می‌باشد.

۲. اقسام حوادث اجتماعی و جهانی

حوادث و تحولات اجتماعی و جهانی به دودسته تقسیم می‌شود یا برای بشر ضروری و غیر ارادی است، یا تحت کنترل و اراده اوست: تحولات ناشی از سیل، زلزله، طوفان، جنگ، تعارض اجتماعی که به صورت غیر ارادی به وجود آمده و پیامدهای اجتماعی را در پی دارد از نوع حوادث غیر ارادی است؛ اما حوادث ناشی از قیام و نهضت مردمی جهت ایجاد تحول و تغییر در نظام اجتماعی موجود و یا هرکار جمعی و ارادی که موجب دگرگونی اجتماعی بشود از زیر مجموعه حوادث و سوانح اختیاری به حساب می‌آیند.

معلوم است که حوادث و دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از حوادث طبیعی غالباً از نوع تحولات قهری و غیر ارادی است؛ در مجموع حوادث و سوانح اجتماعی چه ارادی و چه غیر ارادی ممکن است دست کم به یکی از سه صورت کلی در جوامع و در عالم تأثیرگذار باشد:

الف) تحول در ساختار جهانی و جوامع

ممکن است از پیامدهای حوادث اجتماعی تحول در ساختار جهانی و نظام بین‌الملل و جوامع انسانی باشد؛ به عنوان مثال روابط بین‌المللی از آن متأثر بشود موجب انسجام و یا ازهم‌گسیختگی در روابط بین‌المللی شده و یا یک جامعه تبدیل به یک جامعه دیگری با آداب و رسوم و اعتقاد دیگری بشود.

ب) تحول در نهادهای اجتماعی

امکان دارد از پیامدهای حوادث اجتماعی تحول در خرده نظام اجتماعی یا همان نهادهای اجتماعی مانند نهاد تعلیم و تربیت، حکومت، دین، خانواده و اقتصاد باشد.

ج) تحول در روابط نهادهای اجتماعی

باری نیز امکان دارد از پیامدهای حوادث اجتماعی تغییر در ارتباطات بین نهادهای اجتماعی مانند تغییر در روابط بین بانک‌ها و مؤسسات مالی یا تغییر در روابط بین نهاد مسکن و خانواده باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۳۲۴).

۳. قانون‌مندی در حوادث اجتماعی و جهانی

از منظر مکاتب غیر اسلامی در مورد قانون‌مندی تحولات و حوادث اجتماعی ناشی از حوادث طبیعی چون خشکسالی، طوفان، زلزله و کرونا نظریات مختلفی وجود دارد، برخی به وجود هیچ نوع قانونی، اعم از طبیعی، زیستی، روانی و اجتماعی در این عالم باور ندارند و یا حداکثر اصل قانون‌مندی در قلمرو امور طبیعی و زیستی را می‌پذیرند اما تعمیم آن را به حوزه امور انسانی و اجتماعی روا نمی‌دانند چراکه انسان دارای اراده آزاد و اختیار است و این اختیار به‌زعم آنان ضرورت و کلیت قوانین اجتماعی را درهم می‌شکند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

دیدگاه‌های معارض ادیان، معمولاً می‌کوشند همه اتفاقات و رویدادها، از جمله حوادث و بحران‌ها را به علل و عوامل صرفاً مادی مرتبط سازند و هدفمندی چنین رخدادهایی را از اساس منکر می‌شوند، ولی به عقیده خدا باوران اصل قانون‌مندی از اصول مسلم و انکارناپذیری است که حوزه امور انسانی - اجتماعی نیز مشمول آن می‌باشد، نهایت این که در امور انسانی چه فردی و چه اجتماعی اختیار آدمی جزئی از اجزای علت تامه هر فعل است. اختیار انسان در طول اراده و سنت‌های اجتماعی - الهی قرار دارد، حرکت‌های اختیاری انسان زمینه‌ساز نحوه جریان آن قوانین از سوی خداوند است؛ پس قبول اراده آزاد انسان به معنای رد ضرورت و کلیت قوانین اجتماعی نیست.

در تفکر اسلامی نگرش ماتریالیستی مردود است و اعتقاد بر آن است که هر پدیده و رخدادی علاوه بر علل مادی، صوری و فاعلی که دارد، دارای علتی غایی نیز هست که اساس و هدف این رخداد را در مسیر مشیت الهی معین می‌نماید. بر اساس عقیده علمای خداپاور، تمام رویدادهای اجتماعی مبتنی بر قاعده حکمت الهی است و هیچ رویداد فردی و اجتماعی برای انسان یا جوامع انسانی، نمی‌تواند فاقد اهداف غایی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

حتی کمترین رخداد عالم که افتادن برگی روی زمین باشد به تصریح خداوند در قرآن مبتنی به برنامه‌ای از پیش تدارک دیده و ثبت شده در «کتاب مبین الهی» است (انعام، ۵۹). اینک در جهانی با پروردگار حکیم که رخداد هر پدیده‌ای خارج از حکمت و کنترل او نیست، نمی‌توان رخدادها و ابتلائات انفسی و آفاقی را خارج از دایره حکمتش تعبیر نمود.

قرآن کریم خود تصریح می‌کند که امت‌ها و جامعه‌ها از آن جهت که امت و جامعه‌اند سرنوشت مشترک داشته و بر طبق سنت‌ها و قوانین الهی، اعتلاها و انحطاط‌ها دارند. از جمله درباره فساد قوم بنی‌اسرائیل می‌گوید به آنان هشدار دادیم که شما دو نوبت در زمین فساد بزرگ خواهید کرد. من هم در هر نوبت جهت انتقام از شما، دشمن را بر شما مسلط می‌سازم که حتی در داخل خانه‌های شما نفوذ بکند و در اخیر می‌فرماید «امید است باز هم خداوند اگر به راه راست بازگردید رحمت خود را شامل حال شما گرداند و اگر شما بار دیگر به فساد بازگردید ما به عقوبت و تسلط دشمن بر شما باز می‌گردیم» (اسراء، ۸-۴). محل شاهد همان جمله اخیر است: «وَإِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا» هرچه به تباهی بازگردید ما به زبون ساختن شما به دست دشمن باز می‌گردیم؛ یعنی عملکرد اجتماعی شما خوب یا بد سبب جریان خشم و یا رحمت الهی می‌شود و بین آن عملکردها با افعال و سنن الهی رابطه وجود دارد. آیاتی نیز وجود دارد که جهت تربیت بشر و تنظیم آینده او، تصادفی بودن وقایع اجتماعی و تاریخی را صریحاً رد می‌کند و دستور می‌دهد که در روی زمین بگردید و بنگرید که پایان کار تکذیب‌کنندگان یا مجرمان در گذشته چگونه بوده است و از

آن درس و عبرت بگیرید (انعام، ۱۱؛ نمل، ۷۹؛ روم، ۴۲)؛ یعنی سرگذشت ملت‌های گذشته را مطالعه و راز و رمز انحطاط و سعادت‌ها را کشف کنید و با توجه به آن‌ها اتخاذ تصمیم نموده و آینده خویش را خردمندانه تنظیم نمایید، این گونه سخن گفتن آنگاه معنا دارد که پیوند و روابطی میان عملکرد ملت‌ها و سنن الهی وجود داشته باشد، وقایع تاریخی پیش آمده برای آنان تصادفی و اتفاقی نباشد.

در نهایت براساس بینش توحیدی این جهان با همه قوانین پیچیده حاکم بر آن، تحت تأثیر عالم ملکوت و اراده پروردگار است، در منطق اسلامی، نگاه کسانی که علل حوادث این عالم را تنها مادی و یا تنها فرامادی می‌دانند، ناقص است، در منطق قرآن این عالم علاوه بر داشتن علت‌های مادی، از طرفی در قبضه قدرت الهی نیز هست (یونس، ۳۱)، تقابل علت‌های طبیعی و فرامادی در پیدایش حوادث طبیعی و اجتماعی نادرست است بلکه این عوامل باهم سازگار بوده و در طول یکدیگر قرار دارد، تمام حوادث این جهان حتی حوادث اجتماعی آن دارای نظم و قانون است، احیاناً با افعال بشری به ضمیمه اراده الهی خلق می‌شود و تحت اشراف حکمت و سنن الهی تدبیر می‌شود.

۴. حوادث اجتماعی و جهانی به عنوان مصداق سنت‌های الهی

چنانکه گفته شد بر اساس توحید افعالی و توحید در تدبیر هیچ حادثه اجتماعی و جهانی تصادفی و برون از اراده خداوند نیست، بر بنیاد آموزه‌های توحیدی و قرآنی قبل از این که هرگونه حوادث اجتماعی به وجود آید، اراده و مقدرات خداوندی بر وجود آن اثرگذار می‌باشد «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ... وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (تغابن، ۱۱). هیچ مصیبتی جز به فرمان خدا به کسی و به جامعه نمی‌رسد. ... و خدا به هر چیزی داناست.

در جای دیگر می‌فرماید هیچ تحول و تغییر اجتماعی را خداوند رقم نمی‌زند مگر این که تغییر در خود آن مردم ایجاد شود، یعنی تغییرات و تحولات اجتماعی هرچند به دست خداوند است ولی خداوند آن را بر اساس تغییرات درونی بشر به جریان

می‌اندازد، بنابراین جریان هیچ واقعه هرچند باگستره‌ای جهانی باشد بدون اذن و اراده خداوند نیست، بدینسان تمام تحولات و حوادث اجتماعی و جهانی می‌تواند مصادیقی برای همان سنت‌ها و قوانین جامعه شناختی قرآن کریم باشد که وعده قرآنی دارد: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ...» (انفال، ۵۳). این حوادث به حیث سنت‌های اجتماعی و تاریخی احیاناً با افعال بشری به ضمیمه اراده الهی خلق می‌شود و تحت اشراف حکمت و سنن الهی نیز تدبیر می‌شود.

بعد از این که فهمیدیم حوادث اجتماعی و جهانی به حیث مصادیقی از سنن الهی و تاریخی است قهراً این سنن از یک سو در ارتباط با افعال بشری به حیث اسباب فاعلی بوده و از سویی نیز مرتبط با حکمت‌ها و انگیزه‌های الهی به حیث علل غایی می‌باشد. قبل از تبیین این دو نحوه ارتباط لازم است به توضیح سنت‌های اجتماعی- الهی پردازیم.

۵. انواع سنت‌های اجتماعی- الهی

شهید صدر، تأملات باارزشی را، راجع به اقسام سنت‌های جاری در جوامع ارائه داده است، نام برده سنت‌های اجتماعی الهی را به سه صورت کلی تقسیم می‌کند:

الف) سنتی که ساختار شرطی دارد و در قالب گزاره شرطی بیان شده است، به نحوی که متغیر دوم در آن مرتبط و معلق به متغیر اول شده است، مانند قانون غلیان آب که در آن گفته می‌شود «هرگاه آب در معرض حرارت معین قرار گرفته و در فشار مشخص جوی نیز باشد، به جوش می‌آید». بعینه همین قانون جاری در امور طبیعی در وقایع اجتماعی نیز متداول و منطبق می‌باشد، این قانون طبیعی خبر از این نمی‌دهد که آب به زودی در معرض حرارت قرار می‌گیرد و حرارت تا فلان درجه بالا می‌رود؛ هیچ گاه از تحقق و عدم تحقق شرط و اجزاء شرط، ایجاباً یا سلباً سخن نمی‌گوید، بلکه خبر از ارتباط بین شرط و نتیجه می‌دهد که «هرگاه شرط به حیث متغیر اول ایجاد شد، نتیجه و جزا، لاجرم به عنوان متغیر دوم بر آن مترتب

خواهد شد».

همین سنت عیناً در بین دو حادثه اجتماعی و تاریخی از نظر قرآن برقرار است، هرگاه حادثه نخست به وقوع پیوست حادثه دوم نیز پدید می‌آید، از جمله این که «تحولات اجتماعی برونی مبتنی بر تغییرات اجتماعی درون انسانهاست» (رعد، ۱۱). یا «رونق و افزایش تولید، مبتنی بر عدالت در توزیع است» (جن/۱۶). یا «دمار و متلاشی شدن جوامع، مبتنی بر مسلط شدن و فرمان‌روایی فساد و مترفین بر جوامع است» (اسراء/۱۶). این‌ها تماماً سنت‌های اجتماعی است که ساختار قضایای شرطی دارد و در آن بر ارتباط و روابط بین وقایع اجتماعی و تاریخی تأکید شده است (صدر، ۱۳۷۹: ۹۲-۸۹).

ب) سنت‌های الهی-اجتماعی که ساختار تنجیزی و قطعی دارد؛ شبیه قوانین حاکم بر حوادث طبیعی که این چنین است؛ مانند اتفاق افتادن خسوف و کسوف در پی گردش فلکی در زمان خاص، یا خبر از نزول باران و آمدن طوفان و بالا و پایین رفتن درجه دما در زمان‌های ویژه، این‌ها امور تنجیزی است که انسان را قدرت دخل و تصرف در قبال تغییر ظروف و تعدیل شروط آن نیست، یعنی متغیر اول این گونه قضایا در اختیار انسان نیست تا از راه تصرف در آن موجب تصرف در نتایج شود، البته شهید صدر مثال برای قوانین اجتماعی نوع دوم را متذکر نشده است (صدر، ۱۳۷۹: ۹۲-۹۵).

ج) سنت‌های الهی-اجتماعی که از انعطاف‌پذیری برخوردار است و صرفاً ماهیت گرایشی دارد، یعنی به صورت قانون قطعی و تخلف‌ناپذیر نیست، بلکه به شکل گرایش طبیعی در نهاد بشر قرار داده شده است؛ بدین جهت مخالفت کردن با آن سنت‌ها و سرپیچی از آن‌ها به صورت موقت امکان دارد لکن به صورت دائم سبب از هم پاشیدن و متلاشی شدن زندگی بشر می‌شود، مانند سنت ازدواج و میل به جنس مخالف برای بقا و دوام جوامع که مخالفت دایمی با آن سبب فنا و نابودی جوامع می‌شود. یا تقسیم کار منزل و بیرون از منزل برای زن و مرد در اسلام که تخطی از آن به صورت دایمی سبب از بین رفتن قابلیت‌های زنانگی و مردانگی می‌گردد، بنابراین

مخالفت دائم با آن شدن نیست، دین خودش نیز مصداق همین نوع از سنت‌هاست که مخالفت دائم با آن سبب عذاب و عقاب از سوی خود تاریخ و جامعه می‌شود؛ یعنی جامعه بدون دین احساس پوچی و سرگشتگی دارد، معذب‌تر از جامعه دینی است، بدین جهت شاید خودکشی و فشار روحی و روانی در آن بیشتر است (صدر، ۱۳۷۹: ۹۶-۱۰۲).

۶. نقش عملکرد انسان در سنت‌های اجتماعی-الهی

با توجه به اقسام سنت‌های الهی-اجتماعی، می‌توان مدعی شد که اراده و عملکرد انسان در عنصر و متغیر اول از سنت‌های نوع اول و سوم نقش و اثر دارد، قسم سوم از سنت‌ها نیز در واقع به اولی برگشت می‌کند، انسان در تصرف به متغیر نخست آن‌ها مختار است، یعنی در آن موارد که سنت‌های الهی به صورت شرط و جزا در ساختار گزاره‌های شرطی تبیین شده است، انسان می‌تواند با اراده و اختیاری که دارد در عنصر اول و شروط آن‌ها دخل و تصرف بکند، جریان سنت الهی را به نفع و یا ضرر خودش رقم بزند، شبیه این گزاره که فردی کسی را دعوت بکند برای گرفتن هدیه و بگوید: «اگر در حضورم آمدی هدیه‌ی با ارزش می‌گیری». معلوم است که شرط رفتن و نرفتن در اختیار دعوت شده است، او با انتخاب هر کدام از دو شرطی که در اختیار دارد می‌تواند نتیجه متفاوتی را دریافت کند، سنت‌های الهی-اجتماعی نوع اول و سوم نیز به همین سبک و سیاق جاری می‌باشد؛ یعنی اقدام به ایجاد شروط آن‌ها در سیطره اختیار بشر است؛ اینک آن افعال و اعمال نابهنجار و تأسف بار بشر امروزی که احتمالاً دخیل در خلق حوادث اجتماعی و جهانی است، بر اساس آموزه‌های اسلام امکان دارد امور ذیل باشد:

۶-۱. نسیان عبودیت

می‌دانیم که ریشه اصلی مفسد غفلت، فراموش کردن اصل توحید و عبودیت است. زندگی مردم در زمان کنونی نیز فارغ از معنویت و عبودیت شده است کمتر کسی فکر می‌کند بنده خداوند است، خودشان را آزاد و رها از بندگی نسبت به خدا می‌بیند؛

لهذا جادارد که شلاق تنبیه و بیدارگری بر پیکر آنان نواخته شود. وضعیت اجتماعی مردمان کنونی شباهت نزدیک به وضعیت اجتماعی قوم سباء دارد که عمران و آبادی و امنیت را ساده انگاشتند، از یاد حق و وظیفه بندگی خویش غافل شدند، فخرفروشی اغنیاء بر فقرا موجب شد که شلاق مجازات بر پیکر آنها نواخته شده و سیل بنیان‌کنی تمام هسته اجتماعی آنان را به یک‌باره نابود کند: «فَاعْرَضُوا... فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ»؛ در اخیر راجع به عمومیت آن نسبت به همه کسانی که دارای اعمال مشابیهی هستند می‌افزاید: «آیا جز کفران‌کنندگان را به چنین مجازاتی گرفتار می‌سازیم؟» (سبا، ۱۷).

۶-۲. اصالت دادن به ماده و عالم طبیعت

اصالت دادن به ماده و طبیعت خود یکی از اسباب و علل فاعلی در جریان سنت اجتماعی-الهی تلقی می‌شود، قرآن کریم نخست باور و سپس سرانجام زندگانی گروهی طبیعت‌گرایان را در طی چند مرحله گزارش می‌کند که آنان باورش این بود که: «غیر از این زندگی دنیا چیزی در کار نیست، ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد»؛ و نسبت به پیامبرش نیز می‌گفتند: «او فقط مرد دروغگویی است که بر خدا افترا بسته و به همین دلیل ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد... تا این که: ناگهان صیحه آسمانی آنها را به حق زیر ضربات خود فرو گرفت». (مومنون، ۴۱-۳۷)؛ بنابر این یکی از اسباب فاعلی برای خلق حوادث جهانی اصالت دادن به زندگی مادی است.

۶-۳. فرو رفتن در دنیا و رفاه‌زدگی

در آموزه‌های دینی از اصالت دادن به فساد و رفاه به سکر نعمت یاد شده است. امیرالمؤمنین^(ع) در کلام خود هشدار می‌دهد که «سکر نعمت» یعنی مستی ناشی از رفاه «بلاى انتقام» را به دنبال خود می‌آورد. در خطبه ۱۵۱ می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْكُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ أَغْرَاضُ بَلَايَا قَدْ اقْتَرَبَتْ، فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النِّعْمَةِ وَاحْذَرُوا بَوَائِقَ النَّقْمَةِ». شما مردم عرب هدف مصائبی هستید که نزدیک است. همانا از «مستی‌های نعمت» بترسید و از بلاى انتقام بهراسید.

آنگاه علی^(ع) شرح مفصلی در باره عواقب پی‌درپی و متداوم این ناهنجاری‌های اجتماعی دارد. در خطبه ۱۸۵، آینده و خیمی را به دلیل رفاه‌زدگی برای مسلمانان پیشگویی می‌کند، می‌فرماید: «ذَاكَ حَيْثُ تَسْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ بَلْ مِنَ النَّعْمَةِ وَالنَّعِيمِ». آن در هنگامی است که شما مست می‌گردید، اما نه از باده بلکه از نعمت و رفاه. در دنیای فعلی نیز به وجود آمدن نعمت‌های بی‌حساب در سایه تکنولوژی و تقسیم غیرعادلانه ثروت و تبعیض‌های ناروا، جوامع انسانی امروز را دچار بیماری مزمن «دنیا‌زدگی» و «رفاه‌زدگی» کرده و دچار سکر نعمت است.

۴-۶. گسترش و عالم‌گیر شدن فساد

یکی از مواردی که سنت‌های خداوند می‌بایست جریان یابد، عالم‌گیر شدن فساد در بین مردم است، لهذا قرآن هشدار می‌دهد که هر وقت فساد فراگیر و جهانی شد، زمانی است که باید سنت‌های اجتماعی - الهی به جریان بیفتد، این هشدار قرآن است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم، ۴۱). فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده، خدا می‌خواهد عکس‌العمل کارهای مردم را به آن‌ها نشان دهد و نتیجه بعضی از اعمالی را که انجام داده‌اند به آن‌ها بچشانند، شاید بیدار شوند و به سوی حق بازگردند.

۵-۶. ستمگری

یکی از افعال و اقدامات بشری که موجب جریان سنت‌های الهی می‌گردد، تبعیض، ظلم و ستمگری در عالم است: «...وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ» (قصص، ۵۹) ما شهرها و کشورها را تا مردمشان ستمگر نباشند ویران‌کننده نبوده‌ایم. چپاول، زورگویی، تفرقه‌اندازی قدرت‌های مستکبر نسبت به کشورهای بی‌پناه و ضعیف همان استکبار، سلطه‌گری و برتری‌جویی فرعونی است که سرانجام موجب جریان سنت اجتماعی - الهی می‌شود: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا» (قصص، ۴). همان اقدامات و جنایاتی را که فرعون برای تقویت پایه‌های استکبار

خود به آن‌ها دست می‌زد، پایه اصلی حکومت مستکبران امروز را تشکیل داده است، لذا انتظار می‌رود که سنت‌های کیفری خداوند به گونه‌ای بر حکومت‌های مستکبر امروزی نیز جاری شود؛ همان طوری که بر حکومت مستکبر فرعون به جریان افتاد.

۶-۷. ابتکار گناهان جدید

یکی از موجبات بلایای طبیعی و سنت‌های الهی، ابداع گناهان جدید چون همجنس‌گرایی در دنیای امروز است. در روایتی که از امام رضا^(ع) نقل شده است بلاهای جدید و ناشناخته را معلول گناهان جدید عنوان می‌کند: «كُلَّمَا أَحْدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحْدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ» (کلینی، ج ۲، ص ۲۷۵)؛ یعنی وقتی مردم گناهانی که قبلاً انجام نمی‌دادند را مرتکب شوند خداوند هم آن‌ها را به بلاهایی که نمی‌شناختند گرفتار می‌کند.

۷. حکمت‌های الهی مؤثر در تحولات اجتماعی-جهانی

چنانکه تذکر رفت حوادث اجتماعی چون حوادث کرونایی و خشکسالی و باران‌های بی‌موقع به لحاظ اسباب غایی مرتبط و منتسب به خداوند و حکمت‌های الهی هستند، مهم‌ترین این حکمت‌ها و انگیزه‌های خدایی، براساس دریافت از آموزه‌های قرآن و سنت معصومین، امور عدیده‌ای ذیل در جامعه امروز می‌تواند باشد:

۱-۷. بازتعریف جوامع انسانی و نمایش دو بعد عالی و دانی در آن‌ها

حکمت خداوند از ابتلائات و سنت‌ها گاهی آشکار شدن ماهیت حقیقی افراد و جوامع است، آنان در بوتۀ آزمایش قرار می‌گیرند تا عیار شخصیت حقیقی یا اجتماعی خود را بسنجند، همانطور که علی^(ع) می‌فرماید: «فِي تَقْلِبِ الْأَحْوَالِ يَعْلَمُ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ»؛ دگرگونی‌های روزگار و حوادث سخت زندگی، حقیقت اشخاص و جوامع را روشن می‌سازد و آنان به عیار شخصیت خود واقف می‌گردند.

قرآن نیز یکی از اهداف بلایا و گرفتاری‌های عمومی را مشخص شدن ماهیت و عیار انسان‌ها می‌داند: «وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران، ۱۵۴)؛ خداوند می‌خواهد آنچه را که در سینه‌های

شماست بیازماید و آنچه در روحيات شما قرار دارد مصفا سازد، خداوند از آنچه که در سينه‌هاست آگاه است. در جای دیگر می‌فرماید: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» (آل عمران، ۱۷۹)؛ هرگز خداوند مؤمنان را بر آنچه که هستند و نمی‌گذارد تا ناپاک را از پاک جدا سازد.

حوادث جهانی کرونا نیز در زمان ما این چنین بود، برای برخی انسان‌ها و جوامع فرصت طلب، موجب سودگرایی و منفعت‌طلبی مفرط گردید، مفاهیم اخلاقی از زندگی آنان رخت بر بست، حتی حاضر شدند مایحتاج ضروری مردم را بازار سیاه درست کرده و خود به بالاترین سود برسند. متقابلاً برخی با حرکت‌های ایثارگرایانه، جهادی و از خودگذشتگی، کمک به اقشار کم بضاعت، کمک‌های بهداشتی، دادن افطاریه‌ها برای فقرا و نیازمندان، اوج انسانیت و اخلاق را از خود به نمایش بگذارد. در این گونه امتحان بشر با دو ابزار خیر و شر مورد آزمایش قرار گرفته و عیارسنجی می‌شود: «و نبلوكم بالشر و الخير فتنه» (انبیاء، ۲۱) تا معلوم گردد برای همه که چه افراد و یا امتی مصداق «لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک، ۲). می‌باشد و نمره امت و جامعه مطلوب را برای خودشان اختصاص می‌دهد.

۷-۲. ارتقای سلامت معنوی و استحکام روحی صالحان جامعه

خداوند گاهی از این آزمایشات و تحولات می‌خواهد سلامت معنوی مؤمنان را نهادینه کرده و استحکام روحی صالحان را افزایش بدهد. مقصود از سلامت معنوی یعنی سلامت در باور، معتقدات، اخلاق و ارزش‌های انسانی است، از جمله مؤلفه‌های تأمین‌کننده سلامت معنوی ایمان، توکل به خدا، حسن ظن به او، صبر و رضا به مقدرات الهی و یاد خداست.

گاهی خداوند یک جامعه‌ای انسانی را، در کوره بلایا بر سر دوراهی‌ها و سختی‌ها قرار می‌دهد تا این که استعدادهای درونی آنان به عرصه بروز و ظهور برسد که آن را «آزمایش پرورشی» می‌نامند. به وعده قرآن کریم اگر جن و انس بر طریقه ایمان استقامت ورزند خداوند آن‌ها را با آب فراوان سیراب می‌کند: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن، ۱۶)؛ باران رحمت خود را بر آن‌ها فرو

می‌باریم و منابع و چشمه‌های آب حیاتبخش را در اختیارشان می‌گذاریم و آنجا که آب فراوان است همه چیز فراوان است و به این ترتیب آن‌ها را مشمول انواع نعمت‌ها قرار می‌دهیم. به هر حال گاهی هدف از بلایای فراگیر پرورش مؤمنان و زمینه‌سازی برای اتمام نعمت در حق آنان است.

۷-۳. عبور از نظم مادی جهانی به نظم معنوی و الهی

یکی از اهداف و حکمت‌های محتمل در جریان سنت الهی، این است که خداوند می‌خواهد با خلق رخدادهای جهانی فضایی را برای عبور از نظم مادی گرایی به‌سوی نظم معنوی و الهی فراهم بکند، از جمله انگیزه‌های بلاهای فراگیر را که جوامع بر اثر کفر و طغیان به آن دچار می‌شوند در قرآن کریم همان باز گرداندن می‌داند که این چنین گزارش می‌دهد: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم، ۴۱)؛ فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند تا شاید بازگردند. چنان که معلوم است در پایان آیه شریفه انگیزه ابتلائات را به صراحت امید به بازگشت به سوی خدا و نظم معنوی معرفی می‌کند، مراد از فساد نیز همان وجود نظم مادی امروزی در جهان است که آکنده با انواع فساد اخلاقی می‌باشد، برای جوامع امروزی نیز درخور است که سنت الهی برای عبور از این نظم بی‌ارزش به‌سوی یک نظم متعالی و مطلوب به جریان بیفتد.

۷-۴. زوال تمدنی مجرمان

یکی از حکمت‌های جریان سنت‌های اجتماعی الهی، گرفتن انتقام از مجرمان و به نابودی کشاندن شوکت و عظمت تمدن فسادمحور آنان است؛ چنانکه در قرآن آمده است: «إِنَّا مِنَ الْمَجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ» (سجده، ۲۲) مسلماً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت. مجرمان کسانی هستند که نه تنها گناه مرتکب می‌شود بلکه جرم‌هایی مانند زنا، قتل و سرقت انجام می‌دهند که مجازات دنیوی براساس حدود برای آن به اثبات

رسیده است. هیچ تردیدی نیست که ارتکاب جرم مانند زنا، قتل، خوردن مال مردم برای دنیای امروز یک عمل جمعی و کاملاً عادی محسوب می‌شود، وجود کاباره‌ها، ارتباط نامشروع بین نامحرمان تحت عنوان دوست پسر و دوست دختر، به رسمیت شناختن همجنس‌بازی، استفاده از سلاح کشتار جمعی از اعمال مجرمانه و تمدن فساد محور جوامع کنونی است، از این رو امکان دارد یکی از حکمت‌های حوادث جهانی امروز برای صالحان هر امت امتحان و برای مجرمان بشری انتقام و زوال تمدن فسادآلودی باشد که آنان به وجود آورده است، خدای تعالی همه این معانی را در یک آیه جمع کرده و می‌فرماید: «... وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۱)؛ آیه بیش از این که دلالت بر محق وجود کافران و مجرمان داشته باشد ظهور بر زوال تمدن و معدوم شدن شوکت و عظمت ظواهر زندگی آنان دارد.

۷-۵. برقراری نظام تربیتی اصلح و احساس نیاز به پروردگار

تمدن جدید بشری علاوه بر پیشرفت‌ها، دارای ناگواری‌ها و ناکامی‌های زیادی نسبت به تربیت بشر بوده است، بشر را از نیازهای اساسی او که نیاز به خداوند و شیوه تربیتی او که همان نظام تربیتی انبیاست جدا کرده است، اکثریت مردم امروز در خط تربیتی انبیا نیست، در مسیر نظام تربیتی ماده‌محور و فسادمحور گام برمی‌دارد، احساس چندانی هم از نیازشان به خدا ندارد. براساس وعده قرآنی هرگاه فضای تربیتی زندگی بشر این چنین شد زمینه برای جریان سنن الهی فراهم می‌شود؛ کلام وحی می‌گوید: «ما پیامبرانی به سوی امم پیشین فرستادیم و چون اعتنا نکردند آنها را برای بیداری و تربیت با مشکلات و حوادث سخت چون فقر، خشکسالی، قحطی، بیماری و درد و رنج مواجه ساختیم شاید متوجه شوند و به سوی خدا باز گردند» (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبُؤْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ) (انعام، ۴۲).

نتیجه‌گیری

در این نگارش پیوند حوادث اجتماعی-جهانی با سه متغیر «عملکردهای انسانی»؛

«قوانین جامعه شناختی یا سنن قرآن کریم»؛ «حکمت‌ها و انگیزه‌های الهی مترتب بر سنن قرآنی»، مورد واکاوی واقع شده است. در ادامه حوادث اجتماعی-جهانی را به حیث مصداقی از سنت اجتماعی الهی پذیرفته، در گام نهایی مجموع از عملکردهای اجتماعی-انسانی احتمالاً دخیل در جریان حوادث اجتماعی را به حیث اسباب فاعلی و شروط قضایای شرطی آن رخدادها، معرفی نموده است. آن افعال بشری دخیل در جریان سنت الهی در زمان کنونی عبارتند از:

نسیان اصل توحید و عبودیت، اصالت دادن به ماده و عالم طبیعت، اصالت دادن به فساد و رفاه، گسترده‌گی و عالم گیرشدن فساد، ستمگری و یکه تازی قدرتهای مستکبر، همپیمانی در جنگ و لشکر کشی به کشورهای ضعیف، ابتکار گناهان جدید در جوامع بشری امروز.

در همان راستا انواع حکمت‌ها و انگیزه‌های الهی احتمالاً مترتب بر تحولات اجتماعی و جهانی را نیز شناسایی نموده است که عبارتند از: بازتعریف جوامع انسانی و نمایش دو بعد عالی و دانی در بشر، ارتقای سلامت معنوی و استحکام روحی صالحان جامعه، عبور از نظم مادی جهانی به نظم معنوی و الهی، انتقام و زوال شوکت تمدنی مجرمان جهانی، برقراری نظام تربیتی اصلح و احساس نیاز به پروردگار. اموری گفته شده مجموعه از افعال بشری و حکمت‌های الهی احتمالاً مؤثر است که با استفاده از آموزه‌های اسلامی می‌توان آن‌ها را به حیث علل فاعلی و غایی در رخدادهای اجتماعی و جهانی زمان حاضر تلقی کرد.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. اسلام پدیا، دایرة المعارف اسلامی، مفهوم سنت، درج در شبکه، ۱۳۹۳: ۱۱/۱۱).
۲. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، اول، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه.
۳. آقاجانی، نصرالله، (۱۳۹۳)، ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی.
۴. بوریل، گیسون و مورگان، گارت (۱۳۹۳)، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی، ترجمه محمد قی نوروزی، ششم، تهران: سمت.
۵. سالاری فر، محمد رضا، (۱۳۹۳)، روان‌شناسی اجتماعی، پنجم، تهران: سمت.
۶. سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، سوم، تهران: انتشارات دانشگاه.
۷. صدر، محمدباقر، (۱۴۰۵)، دروس في علم الاصول (حلقه اولی)، بیروت: دار المنتظر، اول، بیروت.
۸. صدر، محمدباقر، المدرسة القرآنیة، (۱۳۷۹)، قم: مرکز ابحاث و دراسات تخصصی.
۹. صلیبا، جمیل و صانعی دره‌بیدی، منوچهر، (۱۳۶۶)، فرهنگ فلسفی، اول، تهران: انتشارات حکمت.
۱۰. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۱. محقق، مهدی و توشیتوشی، هیکو، (۱۳۷۰)، منطق و مباحث الفاظ (مجموعه متون و مقالات تحقیقی)، تهران: انتشارات دانشگاه.
۱۲. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۰)، جامعه و تاریخ، پنجم، تهران: سازمان تبلیغات.

۱۳. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۴. مطهری، مرتضی، (بی تا)، مجموعه آثار: ج ۸، تهران: انتشارات صدرا.
۱۵. مطهری، مرتضی، (بی تا) مجموعه آثار، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی، (بی تا)، مجموعه آثار؛ ج ۳، تهران: انتشارات صدرا.
۱۷. مطهری، مرتضی، (بی تا)، مجموعه آثار؛ ج ۴، تهران: انتشارات صدرا.
۱۸. مطهری، مرتضی، (بی تا)، مجموعه آثار، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.
۱۹. نهاد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۷۰)، جامعه شناسی دوم.
۲۰. همایون، محمدهادی و بنی اسد، رضا، (۱۳۹۹)، آزمون کرونا، (دیدگاه‌ها و راهبردها)، ج ۱، دانشگاه امام صادق.